



در ادامه تنش واشنگتن - پکن رئیس جمهور آمریکا دستور فیلتر تیک تاک، اپلیکیشن چینی پر طرفدار در آمریکا صادر کرد

فیلترنت آمریکایی!

تیک تاک در آمریکا حداقل ۸۰ میلیون کاربر دارد

سخنگوی تیک تاک: ۱۰ هزار آمریکایی در تیک تاک کار می کنند



خلیج پدری

«وطن امروز» از افزایش نقش ایران در آب های خلیج فارس در بای عمان و اقیانوس هند با هدف توازن قوا و تقویت جایگاه منطقه ای خود گزارش می دهد

تیتراهای امروز

سرکرده گروهک تروریستی «تندر» که ساکن آمریکا بود توسط وزارت اطلاعات دستگیر شد

انجمن مردگان



جمعی از ذاکران اهل بیت علیهم السلام در بیانیه ای نسبت به لزوم پیروی از دستورات ستاد ملی مقابله با کرونا تأکید کردند

احترام به تکلیف اجتماعی

«وطن امروز» از تبعات انتقال سامانه پیامکی استعلام چک برکشتی به کیف پول الکترونیکی گزارش می دهد

سامانه چک در جیب «جیرینگ»

ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) با اختصاص هزار میلیارد تومان ۳۵۰۰ طرح اشتغالزایی برای محرومیت زدایی از استان گیلان ایجاد می کند

جهاد با برکت ستاد

نگاه

فساد مالی در آمریکا

«میداف» تنها یک نمونه است!

محمد مهدی عباسی: دسامبر ۲۰۰۸ میلادی بود. ناگهان خبری سراسر جهان را فراگرفت. «برنارد میداف» سرمایه دار بزرگ آمریکایی به جرم فساد و کلاهبرداری مالی دستگیر شد. میداف که یک کارگزار بورس و مشاور سرمایه گذاری بود، با استفاده از ترغیب پونزی در مدت ۱۵ سال، ۶۵ میلیارد دلار کلاهبرداری کرده رقمی بی سابقه و حیرت انگیز که او را تبدیل به بزرگترین کلاهبردار مالی دنیا کرد و لقب «فرانکشتاین امور مالی جهان» را به وی اختصاص داد. بسیاری برنارد میداف را به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل ایجاد بحران مالی سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ آمریکا نیز معرفی می کنند؛ بحرانی که موجب رکودی بزرگ در اقتصاد آمریکا شد و بسیاری از کمپانی ها و شرکت های آمریکایی را به ورطه ورشکستگی کشاند.

اما میداف تنها نمونه ای در ساختار فسادزای اقتصاد آمریکا بود. «الن استنفورد» یکی دیگر از این نمونه هاست. او که رئیس شرکت مشهور و بزرگ استنفورد بود، در مدت ۲۰ سال به ثروتی عمده از راه تقلب و اختلاس رسید. استنفورد با اختلاس رقم باور نکردنی ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ میلادی به ۱۱۰ سال زندان محکوم شده و هم اکنون دوران حبس خود را سپری می کند. دریل مک کالی، رابرت ولسکو و ده ها تن دیگر نیز نمونه های باور نکردنی از افرادی هستند که در ساختار اقتصادی آمریکا دست به فساد مالی زده و با اختلاس و تقلب به ثروت های کلان دست یافتند. فسادهایی که بی شک اصلی ترین عامل آن، ساختار فسادزا و وجود نقصان های فراوان در ساختار مالی و اقتصادی ایالات متحده است. نقصان هایی که مطابق آمارهای بین المللی، ایالات متحده را به دومین کشور جهان از نظر پنهانکاری مالی تبدیل کرده و سالانه هزینه ها و خسارات سنگینی را به اقتصاد آمریکا تحمیل می کند. فقط به تنهایی، هر سال رقمی نزدیک به ۳۰۰ میلیارد دلار در اقتصاد آمریکا پولشویی رخ می دهد.

چرا اینستکس بازپچه ای چرند است؟

اروپا از آمریکا برای «تأمین نیازهای ایران» نبود، بلکه نماد «همپیمانی مشترک آمریکا-اروپا» در «حفظ یکجانبه تعهدات ایران» بود. از سوی دیگر، «اینستکس» اساساً یک «ساختار انتزاعی» بود و در عمل، ویژگی ها و زیرساخت های اولیه برای تبدیل به یک «شبکه عملیاتی» را نداشت. اهداف اعلامی فریبکارانه ترنویسکای اروپایی از جمله «خرید نفت از ایران» و «راه اندازی تجارت غیردلاری با کشورمان»، سرعاً جای خود را به «تأمین اقلام بشردوستانه» آن هم به صورت محدود و قطره چکانی دادا از سوی دیگر، اروپاییان به طور همزمان به «بنیان ایجاد ساختار موهوم اینستکس» و «ناظران و ارزیابی کنندگان» آن تبدیل شدند. به عبارت بهتر، اینستکس از ابعاد ماهوی، حقوقی و عملیاتی دارای مشکلات عدیده بود و همین موارد سبب شد اتحادیه اروپایی بدون هیچ هزینه ای، از ادعاهای فریبنده و نمایشی خود درباره تأمین منافع ایران در برجام عقب نشینی کند!

انقلاب از لفظ «بازپچه» در قبال این محصول تمام عیار اروپایی استفاده فرمودند؟ واقعیت امر این است که ماه ژانویه ۲۰۱۹، پس از اعلام رسمی «هایکو ماس» وزیر خارجه آلمان مبنی بر «یجاد سازو کار مالی ویژه اروپا» برای تجارت با ایران، آنکلا مرکل، صدراعظم این کشور اروپایی در سخنانی تأکید کرد اتحادیه اروپایی قصد ندارد بر سر برجام و تأمین منافع ایران، با واشنگتن وارد مکرون، ترزا می و بوریس جانسون نیز معتقد بودند هر مزاعنه شود! دیگر سیاستمداران اروپایی از جمله امانوئل گونته تصمصیم و اقدامی در قبال ایران و توافق هسته ای، باید در ذیل پازل استراتژیک مشترک ضداپرابانی «ایالات متحده اتحادیه اروپایی» تعریف شود. بر همین اساس، مقامات اروپا پس از توافق با مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا و جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی این کشور، تصمصیم به پیشبرد تاکتیک «خرید زمان از ایران» یا استناد به یک «ساختار انتزاعی» گرفتند. بنابراین اینستکس به لحاظ ماهوی، نماد «استقلال

یادداشت

سیده فاطمه حسینی: حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی در بخشی از سخنان راهگشا و حکیمانه خود به مناسبت فرارسیدن عید سعید قربان تأکید فرمودند: «به وعده های این و آن نباید تکیه کرد. سال ۹۷ که آمریکا از برجام خارج شد، اروپایی ها ما را عقب انداختند و اقتصاد کشور را شرطی کردند. این برای اقتصاد کشور خیلی مضر است. اروپایی ها هیچ کاری نکردند. آخرین ابتکار آنان هم بازپچه چرندی به اسم «اینستکس» بود. خود این یک چیز مضر و غلطی است که این را هم انجام ندادند و نکردند».

سخنان رهبر حکیم انقلاب درباره «اینستکس» و تعبیر خاص ایشان در قبال سازو کار مالی ویژه اروپا، منجر به آشفتگی رسانه های اروپایی شده است. سؤال اصلی این است: چرا اینستکس به لحاظ ماهوی، یک «بازپچه» و نه یک «ساختار واقعی» برای تأمین نیازهای ایران محسوب می شود؟ چرا رهبر معظم

یکباره متوجه ساختار اقتصادی - تجاری اروپا شده بودند! «اینستکس» خط کش و معیاری برای سنجش «صدقات اروپاییان» در برجام و «راستی آزمایی ادعای استقلال آنها» بود! اتحادیه اروپایی در هر دوی این موارد با نمره «صفر» مردود شد. اکنون مقامات اروپایی نسبت به سال های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میلادی، رویکرد علنی تری را در تقابل با کشورمان در پیش گرفته اند؛ آنها رسماً پیش نویس قطعنامه ضداپرابانی از اسن را تهیه کرده و از گزینه «تمدید محدود تحریم تسلیحاتی ایران» دفاع می کنند! همچنین مکرون و مرکل خود را موظف می دانند جهت پر کردن برکه گزارش کار خود که به صورت مرتب برای کاخ سفید می فرستند، هر از گاهی سخنانی بین المللی از لوم ایجاد محدودیت های نظامی و منطقه ای علیه ایران را دچار رکود کرده و به رشد بیکاری و فقر و گرسنگی افزوده اند. شایسته شاخص های اقتصادی از «عیار» اتحادیه اروپایی سخنی به میان آوریم. ارزش اتحادیه اروپایی و سیاستمداران ارشد آن، در بهترین وضعیت ممکن، به اندازه همان «اینستکس» است!

صندوق بین المللی پول؛ چالش ها و فرصت های آن برای ایران - قسمت پنجم و پایانی

پول و بانک جهانی نتایج لازم را برای ایران به بار نیاورد. به طور کلی در همه این برنامه ها، مجموعه ای از سیاست های کلان مشترک وجود داشت که به خاطر عدم توفیق در دستیابی به اهداف، همواره در برنامه های بعدی تکرار شده؛ سیاست هایی چون کاهش اتکا به درآمدهای نفتی از طریق متنوع سازی تولیدات، اصلاح نظام اداری، توسعه بخش خصوصی و خصوصی سازی، کنترل تورم، کاهش بیکاری و توسعه صادرات غیرنفتی از جمله سیاست هایی است که همواره در برنامه های کلان اقتصادی مطرح بوده و هیچگاه به نتیجه دلخواه نرسیده است. عموماً برآیند واقعی این شیوه های اقتصادی که در ایران اجرا شد چیزی جز ازدیاد تورم و تشدید فقر و بیکاری نبود. آنچه در ایران به تاسی از بندهای مصوب در اصل ۴۴ قانون اساسی جهت خصوصی سازی اتفاق افتاده، این است که بنگاه های تولیدی دولتی به قیمت بسیار ارزان و اقساط طولانی مدت به سرمایه داران با نفوذ فروخته شده

خارجی و فرصت های بین المللی، برنامه های اول و دوم توسعه را که در خلال سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ اجرا شد، در چارچوب سیاست تعدیل اقتصادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به نگارش درآورد. این ۲ برنامه به دلیل مقتضیات زمان و ارتباط گسترده دولت وقت با ۲ نهاد بین المللی مذکور، تطبیق وثیقی با آموزه های اقتصاد سراسر مایه داری و برنامه های تعدیل خصوصی سازی داشت. در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) رویکرد مبتنی بر تعدیل و خصوصی سازی به حداقل رسید. در ۲ برنامه دیگر ۵ ساله توسعه یعنی برنامه چهارم (۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸) و پنجم (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶) هر چند به تاسی از سند چشم انداز رویکرد مبتنی بر تعدیل و خصوصی سازی محدود شد، ولی همچنان مفاهیم و مضامین مرتبط با برنامه های تعدیل در بندهای آن موجود بود. با وجود برنامه های فوق، بسیاری بر این باورند که اجرای سیاست های تعدیل ساختاری صندوق بین المللی

کشور از وام ایران استفاده کردند. در سال های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران با صندوق کاسته شد و منحصر به دریافت اطلاعات و گزارش های اقتصادی و احیاناً معرفی برخی کارشناسان بانک جهت شرکت در دوره های کارآموزی یا همایش ها و انجام برخی امور جاری با صندوق بوده است. از جمله رویدادهای این دوره استفاده ایران از تراکنش ذخیره ای خود در صندوق به مبلغ ۱۶ میلیون دلار است. پس از پایان جنگ با سه قدرت رسیدن هاشمی، فسنجانی، اولویتی با نام بازسازی کشور و سازندگی آشکار شد. این اولویت، اهدافی چون افزایش درآمد واقعی، کاهش نرخ بیکاری، افزایش سهم سرمایه گذاری، جایگزینی واردات همراه با توسعه صادرات، خودتکایی اقتصادی و تقویت صادرات غیرنفتی را در قالب برنامه های ۵ ساله توسعه دنبال می کرد. دولت وقت که منابع داخلی را صرف جنگ کرده بود، با اتکا به منابع

میلاد کیایی: در قسمت پایانی به سابقه و نتایج تعاملات ایران و صندوق بین المللی پول و جمع بندی و نتیجه گیری مطالب پرداخته می شود. عضویت دولت ایران در صندوق بین المللی پول مستند به قانون اجازه مشارکت دولت ایران در مقررات کنفرانس برتون وودز مصوب ۱۳۲۴ است. ایران ۲۹ دسامبر ۱۹۴۵ با سهمیه ۲۵ میلیون دلاری به عضویت صندوق بین المللی پول درآمد و از جمله نخستین اعضای این سازمان بین المللی است. پس از ۱۲ دور افزایش سرمایه، هم اکنون سهمیه کشور نزد صندوق ۲۹/۴۱۶ میلیارد دلار است. نخستین برداشت ایران از منابع عادی صندوق نوامبر ۱۹۵۱ صورت گرفت. دولت ایران سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ طی یک قرارداد و یک اعلام موافقت، مبالغ قابل توجهی به صندوق وام داد. اعتبار مذکور تا پایان سال ۱۹۷۶ به مصرف رسید و جمعا ۱۹

تحلیل

در این سری یادداشت ها سعی شد ایجاد گوناگون صندوق بین المللی پول به عنوان یکی از اصلی ترین نهاد های بین المللی اقتصادی مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. صندوق بین المللی پول نیز مانند هر یک از نهادهای بین المللی دیگر زاینده انگیزه ها و اهداف مؤسسان آن است.